حساسیت غرب به پوشش زن

امروز در دنیا، روی چیزهای خاصی حساسیت هست. امروز در دنیا، روی کتک خوردن زن به وسیله شوهر، حساسیتی نیست. مردان در اروپا و آمریکا - نه همه آنان - خیلی راحت زنانشان را کتک می‌زنند. روی ظلم کردن مرد به زن در خانواده، خیلی حساسیتی در دنیا نیست. آمارهایی که ارائه می‌کنند، نشان‌دهنده این است که پدران و شوهران در خانواده‌های آمریکایی و اروپایی، خیلی راحت به فرزندان و همسرانشان ظلم می‌کنند. در دنیا روی این مسئله، خیلی هم جنجال نیست، اما روی پوشش زن حساسیت هست! اگر کسی، شخصیتی، فیلسوفی، نظامی، سیاستی با عریان بودن زن مخالفت کند، این را در دنیا هو می‌کنند. روی بسیاری از فسادها و روش‌ها و عادات حساسیتی نیست. اگر کشوری به عنوان یک سیاست، با مشروبات الکلی مخالفت بکند، این را در دنیا هو می‌کنند، لبخند تمسخر می‌زنند! او را مرتجع می‌نامند! این فرهنگ کجاست؟ این عریانی زن به عنوان یک سنت، این رواج مسکرات به عنوان یک رسم رایج، متعلق به کجاست؟ این متعلق به اروپاست و از فرهنگ قدیمی این کشورها ناشی شده است. حالا این رسم‌ها در جاهای دیگر دنیا هم حجیت پیدا کرده است و اگر کسی با آن مخالفت کرد، کانه مرتکب گناه کبیره‌ای شده است!

* سخنرانی در دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران؛ ۶۹/۲/۲۲

در محضر امام خمینی(ره)

خلاصه وصیت امام در بستر بیماری

توصیه امام در بستر بیماری بهار سال ۱۳۶۵ را - روزی که امام(ره) در بستر بیماری بودند - فراموش نمی کنم. ایشان دچار ناراحتی قلبی شده بودند و تقریباً ده، پانزده روزی در بستر بیماری بودند. در آن زمان من در تهران نبودم. آقای حاج احمد آقا به من تلفن کردند و گفتند سریعاً به آنجا بیایید؛ فهمیدم که برای امام(ره) مسئله‌ای رخ داده است. آناً حرکت کردم و پس از چند ساعت طی مسیر، خود را به تهران رساندم. اولین نفر از مسئولان کشور بودم که شاید حدود ده ساعت پس از بروز حادثه، بالای سر ایشان حاضر شدم. در آن وقت برادر عزیزمان جناب آقای هاشمی در جبهه بودند و هیچ کس دیگر هم از این قضیه مطلع نبود.

روزهای نگران‌کننده و سختی را گذراندیم. خدمت امام(ره) رفتم و هنگامی که نزدیک تخت ایشان رسیدم، منقلب شدم و نتوانستم خودم را نگهدارم و گریه کردم. ایشان لطف فرمودند و با محبت نگاه کردند. بعد چند جمله گفتند که چون کوتاه بود، به ذهنم سپردم؛ بیرون آمدم و آنها را نوشتم. برادر عزیزمان آقای صانعی هم در اتاق بودند. از ایشان کمک گرفتم، تا عین جملات امام(ره) را بازنویسی کنم.

در آن لحظه ای که امام(ره) ناراحتی قلبی پیدا کرده بودند، ما به شدت نگران بودیم. وقتی که من رسیدم، ایشان انتظار و آمادگی برای بروز احتمالی حادثه را داشتند. بنابراین، مهم‌ترین حرفی که در ذهن ایشان بود، قاعدتاً می‌باید در آن لحظه حساس به ما می گفتند. ایشان گفتند: قوی باشید، احساس ضعف نکنید، به خدا متکی باشید، «اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم» و اگر با هم بودید، هیچ کس نمی تواند به شما آسیبی برساند. به نظر من، وصیت سی صفحه‌ای امام(ره) می‌تواند در همین چند جمله خلاصه شود.

* سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مراسم بیعت ائمه جمعه سراسر کشور به اتفاق رئیس مجلس خبرگان، ۶۸/۴/۱۲

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

نجات جان غیرهمجنس

س) اگر امدادگر برای نجات مصدوم غیرهمجنس، ناچار است بدن نامحرم را ببیند یا لمس کند، در این صورت چه وظیفه‌ای دارد؟

ج) اگر برای نجات جان انسان محترم، استفاده از همجنس ممکن نیست، نگاه و لمس نامحرم در حد ضرورت اشکال ندارد.

وضو گرفتن با آب گل‌آلود

س) آیا امدادگر در منطقه سیل‌زده که آب مطلق و خالص وجود ندارد می‌تواند با آب سیل که گل‌آلود است وضو بگیرد؟

ج) اگر گل‌آلودگی آب به‌حدی است که به آن آب مطلق گفته نمی‌شود در صورتی که وقت تنگ نیست باید صبر کند تا آب صاف شود و گرنه باید تیمم کند.

نرسیدن به رکوع امام جماعت

س) اگر ما در رکعت دوم و امام جماعت رکعت سوم باشد و ما در حال خواندن حمد باشیم و امام به رکوع رود و ما به رکوع امام نرسیم حکم نماز ما چیست؟

ج) در این صورت باید سوره را نخوانید و در سجده به امام ملحق شوید و نماز جماعت صحیح است.

امدادگران داوطلب

س) آیا فعالیت داوطلب که بدون مزد می‌باشد شغل وی محسوب نمی‌شود ؟ تکلیف روزه و نمازش چیست؟

ج) اگر طوری به امدادگری اشتغال دارد که عرفاً امدادگری شغل او محسوب می‌شود با رعایت احکام سفر شغلی، نماز تمام است.

وضو گرفتن با لاک

س) آیا وضو گرفتن در حالتی که روی ناخن انگشت‌های پا، لاکی که مانع رسیدن آب مسح به ناخن است زده باشیم، صحیح است؟

ج) اگر یکی از انگشتان پا لاک نداشته باشد و مسح پا از سر آن انگشت تا مفصل ساق انجام شود، وضو صحیح است.

حضور در مجلس پاسور بازی

س) گاهی در میهمانی‌ها بعضی افراد شروع به پاسور بازی می‌کنند ولی بدون شرط‌بندی و فقط برای تفریح، حضور در این مجلس جایز است؟

ج) بازی با پاسور مطلقاً حتی بدون شرط‌بندی حرام است و اگر حضور شما در مجلس نوعی تایید گناه محسوب شود، جایز نیست و باید نهی از منکر کنید و اگر لازمه نهی از منکر، ترک مجلس باشد باید مجلس را ترک کنید.

عدالت خواهی

گفتمان راهبردی امام حسین(ع)

تقی میرزایی

عدالت در مقام بیان و توصیف بسیار گسترده و در مقام عمل بسیار تنگ و سخت است؛ از این رو در آموزه‌های قرآنی افزون بر «امر به عدالت» از «اقدام به عدالت» سخن گفته شده و «اقدام» به‌عنوان «اقرب للتقوی» معرفی می‌شود؛ زیرا بدون عدالت، سخن گفتن از «حق»، «اسلام»، «اخلاق»، «اجتماع» و مانند آنها لغو و بیهوده است؛ چرا که بدون عدالت چیزی از این امور باقی نمی‌ماند. از همین رو شاخص‌ترین موضوع در «امر به معروف و نهی از منکر» همین «عدالت خواهی» است که امام حسین(ع) برای اجرای آن در چارچوب سیره جد و پدرش بر آن تأکید دارد.

عدالت‌خواهی، قیام برای اجرای حق

امیرمومنان علی(ع) در تعریف عدالت می‌فرماید: الْعَدْلُ یَضَعُ الأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدالت، هر چیز را در جای خود می‌نشاند.(نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷)

سخن اینجاست که «مواضع الامور» کجاست و چگونه می‌توان جای هر چیزی را شناخت و آن چیز را در جایگاه خودش قرار داد؟

بی گمان انسان ناتوان از شناخت «مواضع الامور» است؛ زیرا شناخت جامع و کاملی از هر چیز ندارد؛ از همین رو، لازم است تا برای کشف حقیقت متوسل به ابزارهای کشف و حجیت شود که همانا «عقل فطری سلیم» و «نقل وحیانی» است. البته عقل کامل همان عقل معصومان(ع) است که عقل منفصل اجتماعی انسانی است؛ بنابراین، آنچه می‌تواند انسان را نجات بخشد همان «ثقلین» یعنی «کتاب الله و عترت» است.(مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۴؛ صواعق المحرقه، ابن حجر، فصل ۹، بخش ۲، ص۱۹۱، ۱۹۴؛ تاریخ الخلفا، جلال‌الدین سیوطی، ص۱۷۳)

از نظر آموزه‌های قرآن، «مواضع الامور» همان «حق» است که از حق‌تعالی نشات می‌گیرد.(فصلت، آیه ۵۳) به این معنا که حق‌تعالی برای هر چیزی «قدر» قرار داده که حق هر چیزی است.(فرقان، آیه ۲) این «اندازه» و «هندسه» هر چیزی همان موضع حق همان چیز است که باید شناخت و آن چیز را در همان جایگاه قرار داد.

در امور مادی می‌توان با دقت نظر و دستیابی به «ملکوت» هر چیزی، «آیت» بودن هر چیزی را نیز به دست آورد واین‌گونه می‌توان به‌گونه‌ای عمل کرد که «حق» آن چیز ادا شود.(اعراف، آیه ۱۸۵؛ فصلت، آیه ۵۳)

در حوزه تکوین و تشریع بی‌هیچ شکی می‌بایست «حق» را شناخت که از خاستگاه حق‌تعالی نشات گرفته است.(یونس، آیه ۹۴؛ بقره، آیه ۱۴۷؛ هود، آیه ۱۷) با شناخت حق هر چیزی از طریق «عقل و نقل» می‌توان نه تنها جلوی «ظلم» را گرفت، بلکه «عدالت» را اجرا کرد؛ زیرا میان تکوین و تشریع و عقل و نقل رابطه استواری است که متناظر به هم هستند.(روم، آیه ۳۰)

قرآن تاکید دارد که هر کسی که دنبال اجرای عدالت و قیام به آن است، در حقیقت در اندیشه تحقیق بخشی به «حق» است و می‌خواهد «حق» حاکمیت یافته و «باطل» از میان برود.

شاید گفتن این امر ساده باشد، ولی عمل به آن از همه امور دشوارتر است؛ از همین رو امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الأَشْیَاءِ فِی التَّوَاصُفِ، وَأَضْیَقُهَا فِی التَّنَاصُفِ؛ حق وسیع‌ترین چیزها در مقام توصیف و تعریف است، لیکن در مقام انصاف و اجرا و پیاده‌کردن سخت‌ترین، تنگ‌ترین و حساس‌ترین موضوع است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶)

همین عباراتی که امام علی(ع) درباره حق بیان کرده، درباره عدالت نیز صادق است؛ زیرا کسی که بخواهد عدالت ورزد، در حقیقت می‌خواهد حق را بشناسد و حق هر چیزی را به او ببخشد. از همین رو درباره عدالت گفته اند: العدل اعطاء کل ذی حق حقه؛ عدالت، بخشیدن حق هر صاحب حقی است.

تنها کسانی از عذاب الهی و خسران ابدی نجات می‌یابند که در برابر منکر و ظلم و بی‌عدالتی در انواع و اقسام آن سکوت نکنند و بی‌تفاوتی پیشه ننمایند؛ زیرا سکوت و بی‌تفاوتی در برابر ظلم و بی‌عدالتی و منکرات موجب رهایی و نجات این افراد نخواهد شد، بلکه خود عاملی برای هلاک آنان است همان طوری که ظلم موجب هلاک ظالمان است.

عدالت، شاخص امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن، مایه اصلی هستی، حقی دانسته شده که از حق‌تعالی نشات می‌گیرد. خدا می‌فرماید: و خلق الله السموات و الارض بالحق: و خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است.(جاثیه، آیه ۲۲) پس حقیقت همه هستی همان «حقی» است که خاستگاه آن حق‌تعالی است.

از آنجا که عدالت به‌عنوان مجرای حقیقت و ابزار تحقق آن است، پیامبر(ص) می‌فرماید: «بِالعَدلِ قامَتِ السّمواتُ وَ الارَضُ؛ آسمان‌ها و زمین به عدل استوار است.» (عوالی اللآلی، ج۴، ص ۱۰۳)

بنابراین، اگر کسی بخواهد حق را تحقق بخشد، می‌بایست از «عدالت» به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین چیز تحقق بخش آن بهره گیرد.

بر اساس تعالیم قرآن، امور زندگی اجتماعی مردم به دو دسته «معروف» و «منکر» تقسیم می‌شود؛ معروف هر چیز شاخصی و برجسته نیکی است که همگان می‌شناسند و بدان عمل می‌کنند و عقل و نقل آن را به‌عنوان ارزش معرفی کرده است؛ در مقابل، هر چیزی که عقل و نقل به‌عنوان ضد ارزش و زشت معرفی می‌کند، به‌عنوان منکر و ناشناس از سوی انسان‌های سالم با قلب فطری سلیم کنار گذاشته می‌شود.

از آنجایی که میان دو کاشف شریعت یعنی عقل سالم فطری و نقل وحیانی هیچ‌گونه تضاد و تخالفی نیست، عقل و نقل، معروف و منکر را می‌شناسند و به انسان معرفی می‌کنند؛ بلکه نه تنها معرفی می‌کنند، بلکه گرایش وگریزش انسان را نیز تنظیم می‌کنند.(روم، آیه ۳۰)

پس اگر قلبی گرایش به منکر وگریزش از معروف داشته باشد، می‌بایست در سلامت آن شک کرد؛ زیرا چنین قلبی به فجور و گناه آلوده شده و دفن شده است.(شمس، آیات ۷ تا ۱۰)

هر انسانی نه تنها می‌بایست خود عامل معروف باشد، بلکه می‌بایست آمر به معروف نیز باشد؛ زیرا انسان مسلمان یک انسان اجتماعی است که تنها با عمل اجتماعی است که می‌تواند خود را از خسران ابدی در امان نگه دارد.(عصر، آیات ۱ تا ۳)

در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که امیرمومنان علی می‌فرماید: وَما أعمالُ البِرّ کُلُّها وَ الجِهادُ فی سَبیلِ اللهِ عِندَ الامرِ بِالمَعــرُوفِ وَالنّهیِ عَنِ المُنکَرِ إلاّ کَنَفثَةٍ فی بَحرٍ لُجّیّ؛ همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق. (نهج‌البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۴۲، ح ۳۷۴)

با نگاهی به معروف‌های عقلی و نقلی، می‌توان «عدل» را به‌عنوان شاخص‌ترین معروف شناسایی کرد؛ زیرا با عدالت است که حق هر چیزی شناخته و ادا می‌شود؛ چنانکه معروف شناخته نشود، هرگز حقش ادا نخواهد شد و این‌گونه است که ظلمی اتفاق می‌افتد که آن خروج از مدار حق و عدل است.

از آنجا که تقوای الهی به معنای حرکت در مسیر شرایع اسلامی است(بقره، آیه ۲۱)، برای کسب چنین تقوایی لازم است تا عدالت اجرا شود؛ زیرا نزدیکترین راه کسب تقوا، عدالت است. خدا می‌فرماید: اعدِلوا هُوَ أَقــرَبُ لِلتّقوی؛ عدالت ورزید که آن نزدیک‌ترین راه برای کسب تقوا است.(مائده، آیه ۸)

عدالت‌خواهی در برابر حاکمان جور

اگر عدالت‌خواهی مهم‌ترین شاخص تقوای الهی و انجام معروف است، باید گفت هر چه شرایط تحقق عدالت و عدالت‌خواهی سخت‌تر باشد، ثواب و بهره آن بیشتر است.

عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع، خود مهم‌ترین عامل تضعیف معروف از جمله عدالت خواهد بود؛ از همین رو پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدانشان را بر آنان مسلط گرداند و نیکانشان دعا کنند امّا دعایشان مستجاب نشود.

اصولا عدالت‌خواهی در عرصه اجتماعی سخت و دشوار است؛ و از این عرصه، تقابل با بی‌عدالتی حاکمان جور از همه دشوارتر خواهد بود. از این رو آمران به معروفی که به قصد عدالت‌خواهی علیه حاکمان جور و ظلم اقدام می‌کنند، با شرایط دشوارتر و البته ثواب بیشتری برخوردار خواهند بود.

اصولا عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع خود مهم‌ترین عامل تضعیف معروف از جمله عدالت خواهد بود؛ از همین رو پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: إذَا لَمْ یَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ یَنْهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لَمْ یَتّبِعُوا الأَخْیَارَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی سَــلَّطَ اللهُ عَلَیْهِمْ شِــرَارَهُمْ فَیَدْعُوا خِیَارُهُمْ فَلَا یُسْتَجَابُ لَهُمْ؛ هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدانشان را بر آنان مسلّط گرداند و نیکانشان دعا کنند امّا دعایشان مستجاب نشود. (کافی، (الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۷۴؛ شبیه این حدیث در امالی، صدوق ص ۳۰۸)

از این حدیث به دست می‌آید که سلطه اشرار بر اجتماع به سبب ترک فریضه و نیز عدم پیروی از عترت(ع) است؛ زیرا امور اجتماعی تنها با فریضه سامان نمی‌یابد، بلکه رهبرانی معصوم می‌خواهد تا در مقام ولایت الهی قرار گرفته علیه ولایت طاغوت وارد عمل شوند. از همین رو نقش پررنگ «ثقلین» در هر عمل اجتماعی و موفقیت آن بارها از زبان قرآن و پیامبر(ص) تأکید می‌شود؛ زیرا حتی اگر مردمان بخواهند قیام به «عدالت» کنند، این رهبران الهی و اولیای خدایی هستند که در مقام رهبری می‌توانند این مهم را مدیریت کنند.(حدید، آیه ۲۵؛ نساء، آیه ۵۹)

از نظر آموزه‌های اسلامی اگر به این فریضه بر اساس چارچوب‌های آن عمل نشود، نمی‌توان امید به تحقق معروف و عدالت داشت و به همین سادگی تقوا از دست می‌رود. پیامبر(ص) می‌فرماید: لا یَزالُ النّاسُ بِخَیرٍ ما أمَروا بِالمَعروفِ وَنَهَوا عَنِ المُنکَرِ وَتَعاوَنوا عَلَی البِرّ وَ التّقوی فَإذاً لَم یَفعَلوا ذلکَ نُزِعَت مِنهُمُ البَرَکاتُ، وَ سُلِّطَ بَعضُهُم عَلَی بَعــضٍ وَلَم یَکُن لَهُم ناصِرٌ فِی الأَرضِ وَ لا فِی السّــماءِ؛ تا زمانی که مــردم امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند در خیر و سعادت خواهند بود، اما اگر چنین نکنند، برکت‌ها از آنان گرفته شود و گروهی بر گروه دیگر سلطه پیدا کنند و نه در زمین یاوری دارند و نه در آسمان. (تهذیب الاحکام، تحقیق خرسان، ج۶، ص۱۸۱، ح ۲۲؛ شبیه این حدیث در بحارالانوار، بیروت، ج ۹۷، ص ۹۴)

از نظر امام حسین(ع) مهم‌ترین راه اجرای عدالت و قیام به آن عمل در چارچوب فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر است که با تحقق عدالت می‌توان از هرگونه ظلم فردی و اجتماعی رهایی یافت و اجتماع را به سعادت دنیوی و اخروی رساند که همانا تأمین آرامش و آسایش عمومی است.

اجرای این فریضه و تحقق شاخص‌ترین معروف یعنی عدالت است که می‌تواند اجتماع سالم را تضمین کند؛ چنانکه امام باقر(ع) می‌فرماید: إنّ الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ سَبِیلُ الأَنْبِیَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصّلَحَاءِ فَرِیضَةٌ عَظِیمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلّ الْمَکَاسِبُ وَ تُرَدّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الأَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الأَعْدَاءِ وَ یَسْتَقِیمُ الأَمْرُ؛ امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می شود، راه ها امن می گردد و درآمدها حلال می شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می شود و کارها سامان می‌پذیرد. (کافی، الاسلامیه، ج۵، ص۵۶، ح۱)

اگر کسی به فریضه عمل نکرد در حقیقت دنبال اجرای عدالت نیست؛ در حالی که از نظر آموزه‌های قرآن هر انسانی نه تنها می‌بایست خود عامل عدالت باشد و بدان قیام کند(مائده، آیه ۸)، بلکه باید دیگران را نیز به اقامه حق و عدل توصیه کند و رنج این کار را مانند هر کار دیگری تحمل کند و صبر و شکیبایی نسبت به آن داشته باشد.(عصر، آیات ۱ تا ۳) پس اگر کسی این‌گونه عمل نکند، گرفتار خسران ابدی خواهد شد؛ چنانکه تارکان فریضه در برابر فساد و ظلم اصحاب سبت گرفتار شدند. (کافی، الاسلامیه، ج ۸، ص ۱۵۸، ح ۱۵۱)

در حقیقت تنها کسانی از عذاب الهی و خسران ابدی نجات می‌یابند که در برابر منکر و ظلم و بی‌عدالتی در انواع و اقسام آن سکوت نکنند و بی‌تفاوتی پیشه ننمایند؛ زیرا سکوت و بی‌تفاوتی در برابر ظلم و بی‌عدالتی و منکرات موجب رهایی و نجات این افراد نخواهد شد، بلکه خود عاملی برای هلاک آنان است همان طوری که ظلم موجب هلاک ظالمان است.

از نظر امام علی(ع) شاید سخت‌ترین زمان برای اقامه فریضه این است که انسان بخواهد عدالت را در برابر ظالمان اجرایی کند و قیام به آن داشته باشد. ایشان می‌فرماید: وَ إنّ الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ لَا یُقَرّبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَ لَا یَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِکَ کُلّهِ کَلِمَــةُ عَــدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛ امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می‌کند و نه از روزی می‌کاهد و بهتر از همه اینها سخن عدل است در برابر حاکم ظالم.(نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۴)

پس شاخص‌ترین امر به معروف همان سخن گفتن از عدالت در برابر حاکم جور است که امام حسین(ع) بدان قیام می‌کند.

عدالت‌خواهی امام حسین(ع)

امام حسین(ع) به‌عنوان خلیفةُالله بر آن است تا به فریضه امر به معروف و نهی از منکر در همه سطوح فردی و اجتماعی عمل کند؛ یعنی همان طوری که هر آمر به معروف خلیفةُالله است، ایشان به‌عنوان خلیفةُالله خاص و عام بر آن است تا به این وظیفه و تکلیف الهی عمل کند. پیامبر(ص) می‌فرماید: مَن امَرَ بِالمَعروفِ وَ نَهی عَنِ المُنکرِ فَهُوَ خَلیفَةُ اللهِ فی ارضِهِ وَ خَلیفَةُ رَسُولِ اللهِ وَ خَلیفَةُ کتابِهِ؛ هر که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر و کتاب اوست».(تفسیر کشّاف، ج ۱، ص ۴۵۲.)

امام حسین(ع) درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: خداوند می فرماید: «از مردم نترسید و از من بترسید» و فرموده: «مردان و زنان مؤمن، دوستان یکدیگرند، به نیکی فرمان می‌دهند و از زشت کاری بازمی‌دارند». خداوند از امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان فریضه‌ای از جانب خود، آغاز کرده است، چون می دانسته است که هرگاه این فریضه ادا گردد و بر پای داشته شود تمام فرایض دیگر، از آسان و دشوار، بر پای داشته خواهند شد؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام است، همراه با ردّ مظالم و مخالفت با ستمکار و تقسیم بیت المال و غنایم و گرفتن بجای صدقات زکات و هزینه کردن بجای آنها.(تحف‌العقول، ص ۲۳۷)

پس از نظر امام حسین(ع) مهم‌ترین راه اجرای عدالت و قیام به آن عمل در چارچوب فریضه الهی است که با تحقق عدالت می‌توان از هرگونه ظلم فردی و اجتماعی رهایی یافت و اجتماع را به سعادت دنیوی و اخروی رساند که همانا تأمین آرامش و آسایش عمومی است.

در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که امیرمومنان علی می‌فرماید: همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق.

امام حسین(ع) در همین راستا اقدام به قیام می‌کند تا بتواند حق را با عدالت تضمین کرده و حقوق هر کس و هرچیزی را این‌گونه ادا کند. از همین رو بر اساس موازین کتاب و سیره پیامبر(ص) و امیرمومنان علی(ع) و امام حسن(ع) عمل کرده و با قیام علیه حکومت جور و طاغوت اموی بر آن است تا این مهم را تحقق بخشد و از خشم الهی نسبت به ساکتین در امان ماند و از خسران ابدی رهایی یابد. ایشان خود در تحلیل و تبیین قیام علیه حکومت یزیدی می‌فرماید: «من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از شهر خود بیرون آمدم، بلکه هدف من از این سفر امر به معروف و نهی از منکر و خواسته‌ام از این حرکت اصلاح مفاسد و احیای سنت و قانون جدم رسول خدا(ص) و راه و رسم پدرم علی بن ابیطالب(ع) است».(بحارالانوار ،ج ۴۴،ص ۳۲۹)

البته اجرای عدالت همواره دشوارتر از بیان آن است و لازمه آن صبر در برابر مصیبت‌های گوناگونی است که از سوی ظالمان اعمال می‌شود. از این رو امام حسین(ع) می‌فرماید: أیّهَا النّاسُ! فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ یَصبِرُ عَلی حَدّ السّیْفِ، وَ طَعْنِ الاَسِنّةِ، فَلْیَقُمْ مَعَنا وَ الاّ فَلْیَنْصَرِفْ عَنّا»؛ ای مردم! هر کس از شما در برابر تیزی شمشیر و زخم نیزه‌ها شکیبا است، با ما بماند و الاّ از ما جدا شود!!.(بحار الانوار ،ج ۴۴،ص ۳۲۹)

امام حسین(ع) جان خویش و اهل بیت(ع) را برای اقامه عدالت گذاشت تا حق به جای خود بازگردد و ظلم از میان برود و باطل راه تباهی خویش را بپیماید.

امام حسین(ع) در تبیین فلسفه قیام خویش پس از ممانعت حرّ و لشکریان کوفه از حرکت ایشان می‌فرماید: ایهَا النّاس انّ رَسولَ اللهِ(ص) قالَ: مَنْ رَأی سُــلْطَاناً جَائِراً مُسْتَحِلاً لِحُرَمِ اللهِ نَاکِثاً لِعَهْدِ اللهِ مُخَالِفاً لِسُنّةِ رَسُولِ اللهِ یعْمَلُ فِی عِبَادِ اللهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ ثُمّ لَمْ یغَیرْ بِقَوْلٍ وَ لَا فِعْلٍ کَانَ حَقِیقاً عَلَی اللهِ أَنْ یدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشّیْطَانِ وَ تَوَلّوْا عَنْ طَاعَةِ الرّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطّلُوا الْحُدُودَ وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفَیءِ وَ أَحلّوا حَرَامَ اللهِ وَ حَرّمُوا حَلَالَهُ وَ إِنّی أَحَقّ بِهَذَا الأَمْرِ؛ای مردم! همانا رسول خدا(ص) فرمود: کسی که حاکم ستمگری را بنگرد که ستم می‌کند و حرام خدا را حلال می‌شمارد و عهد و پیمان خدا را می‌شکند و با سنت رسول خدا مخالفت می‌کند و در میان بندگان خدا با فساد و ستمکاری عمل می‌کند، با عمل یا با سخن، اگر بر ضد آن حاکم قیام نکند، سزاوار است که خداوند او را با آن حاکم ستمکار محشورکند. آگاه باشید! این مردم (بنی امیه) اطاعت شیطان را به جان خریدند و اطاعت خدا را رها کردند و فساد را آشکار و حدود الهی راترک و بیت‌المال را غارت کردند و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام شمردند و من از دیگران، سزاوارترم که برای تغییر این وضع، قیام کنم.(بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲.)

آن حضرت(ع) در جایی دیگر خطاب به فرزدق فرمود: ای فرزدق! همانا این قوم (بنی‌امیه) ملتزم اطاعت شیطان شدند و اطاعت رحمن را ترک کردند و فساد را روی زمین آشکار ساختند و حدود را باطل کردند و به شراب‌خواری پرداختند و اموال فقرا و مساکین را به نفع خود مصادره کردند و من برای یاری دین خدا و عزیزداشتن شریعت او و جهاد در راه او به منظور اعتلای سخن خداوند، از دیگران سزاوارتر هستم.(تذکرةالخواص من الامهٔ بذکر خصائص‌الائمه، ج۲، ص ۴۰)

اصولا ظالمان به جای ایثار(از خود گذشتگی) دنبال استئثار(انحصار طلبی) هستند و همه چیز را برای خود می‌خواهند و این‌گونه به جای عدالت به ظلم می‌پردازند و به جای اقامه قسط به سهم دیگران دست‌درازی کرده و حقوق حقه مردم را از ایشان سلب می‌کنند. بنابراین، مبارزه با چنین افرادی سخت و نیازمند صبر بسیار است که گاه برای احقاق حق و اجرای عدالت باید به جنگ پرداخت و جان را در این راه فدا کرد.

چراغ راه

تمایز حق و باطل با نور عقل

قال‌النبی(ص): «العقل نور یفرق به بین الحق و الباطل»

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: عقل نوری است که به وسیله آن میان حق و باطل فرق نهاده می‌شود.[1]

۱- بحارالانوار،ج۱، ص ۹۷

حکایت خوبان

ده ویژگی انسان عاقل

پیامبر گرامی اسلام(ص) در بیانی ویژگی‌های انسان عاقل را چنین توصیف می‌فرمایند: ویژگی‌های عاقل این است ۱- در برابر رفتار جاهلانه بردباری کند ۲ـ از کسی که به او ظلم کرده در گذرد ۳- در برابر زیردست خود متواضع باشد ۴- با بالادست خود در طلب نیکی رقابت کند ۵- هرگاه بخواهد سخن بگوید، بیندیشد، اگر خوب بود بگوید و سود برد، و اگر بد بود، سکوت کند و سالم ماند ۶- هرگاه با فتنه‌ای روبه‌رو شود، به خدا پناه برد ۷- دست و زبان خود را نگاه دارد ۸- هرگاه فضیلتی ببیند آن را غنیمت شمارد ۹- شرم و حیا از او جدا نشود ۱۰- و حریص نباشد. اینها ده خصلتی هستند که عاقل با آنها شناخته می‌شود.[1]

۱- تحف‌العقول، ص ۲۷

پرسش و پاسخ

آثار خودشناسی (۲)

پرسش:

خودشناسی یا همان معرفةُالنفس چه آثار و برکاتی در حیات فردی و اجتماعی انسان دارد؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سوال ضمن تاکید بر ضرورت خودشناسی به عنوان نافع‌ترین معارف و دانش‌ها به برخی آثار و برکات خودشناسی شامل: ۱-خداشناسی ۲-رشد و کمال انسان ۳-رستگاری در آخرت ۴-مبارزه با نفس ۵-مصونیت از آلودگی پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می گیریم.

۶. حفظ تعادل روحی و گرفتار نشدن به عجب

از جمله اموری که انسان را در سیر الی الله و رسیدن به قرب الهی تهدید می‌کند، از دست دادن تعادل روحی و گرفتار شدن به احوال ناشایستی چون عجب و تکبر است. برای حفظ تعادل روحی و نجات از حالات مذکور، عوامل گوناگونی دخیل خواهد بود که از مهم‌ترین آنها خودشناسی است.

۷. جهت‌دهی مثبت به میل به بقاء

علم و معرفت درست انسان از خود، در جهت درست میل به بقاء، نقش اساسی دارد. امام علی(ع) می‌فرماید: کسی که ارزش خود را بشناسد، خویشتن را با امور فناپذیر خوار نگرداند.(میزان‌الحکمه، ج ۸، ص ۳۵۶۹) مقصود این است که اگر انسان خودش را درست شناخت و حقیقت هستی حیات و زندگی خود را به خوبی دریافت، دراین صورت است که‌این گرایش به بقاء، جهت صحیح خود را پیدا می‌کند و در غیر این‌صورت گرفتاراشتباه در مصادیق می‌شود.

اگر انسان فهمید که حقیقت او یک حقیقت غیرمادی است و زندگی‌اش منحصر در زندگی مادی و دنیوی نیست، جنبه بقاء و میل به خدا و جاودانگی، جهت طبیعی و فطری خویش را پیدا می‌کند و علاقه انسان متوجه زندگی ابدی او خواهد شد و متقابلا اگر گمان کرد که وجود او همین وجود مادی و زندگی او منحصر در همین زندگی دنیوی است، میل به بقاء از راه طبیعی و فطری منحرف می‌شود.

۸. دشمن‌شناسی

بر اساس آموزه‌های وحیانی، انسان در سیر الی‌الله و دست یابی به کمال، با دشمنان فراوانی مواجه است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«این‌چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین جن و انس قرار دادیم، آنها به‌طور سری (و در گوشی) سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند و اگر پروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند.» (انعام- ۱۱۲)

به یقین اگر شیاطینی از جن و انس نسبت به انبیاء الهی وجود دارد، به‌طریق اولی نسبت به پویندگان راه آنها نیز چنین است. تلاش پروردگار از طریق ارسال انبیاء و نزول کتب آسمانی و وحی براین بوده است که انسان‌ها را متوجه‌این دشمنان گرداند، ولی متأسفانه انسان‌ها به علل مختلفی در شناسایی دشمنان و ستیز با آنان کوتاهی و غفلت ورزیده و به نغمه‌های دش